

بررسی راهبردهای مقابله روانی کشاورزان استان فارس هنگام خشکسالی

غلامحسین زمانی*، کیومرث زرافشانی**، خدیجه مرادی***

* دکترای کشاورزی، استاد بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
** نویسنده مسئول: دکترای ترویج و آموزش کشاورزی، استادیار مرکز پژوهشی تحقیقات توسعه اقتصادی - اجتماعی دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

Email: Zarafshani2000@yahoo.com

*** کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

پذیرش مقاله: ۸۸/۱۱/۱۸

وصول مقاله: ۸۸/۱۰/۱۱

چکیده

مقدمه: شناخت شرایط روانی و چگونگی بازتاب فکری و واکنش کشاورزان هنگام مواجهه با خشکسالی می‌تواند مبنایی برای ارائه راهکارهای مؤثر به منظور اتخاذ تصمیم‌هایی مفیدتر در راستای کاهش زیان‌های ناشی از خشکسالی بر تولیدات کشاورزی و درآمد کشاورزان باشد. مطالعه حاضر با هدف تعیین راهبردهای مقابله روانی کشاورزان با پدیده خشکسالی در استان فارس انجام شد.

روش‌ها: نمونه آماری مورد مطالعه ۳۶۰ کشاورز از سه منطقه با شدت‌های خشکسالی متوسط، زیاد و خیلی زیاد بود که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب گردید و در مجموع ۶ شهرستان این استان را پوشش داد. در این مطالعه برای ارزیابی، ترکیبی از دو روش نظری و میدانی به کار گرفته شده است.

یافته‌ها: براساس نتایج اولویت راهبردهای هشتگانه مقابله روانی به ترتیب عبارتند از راهبرد «ارزیابی مثبت»، «خودکنترلی»، «جلب حمایت‌های اجتماعی»، «فاصله گرفتن»، «حل مسئله»، «مسئولیت‌پذیری»، «برخورد مستقیم» و «انکار» (به ترتیب با میانگین‌های ۳/۳۰، ۲/۶۷، ۲/۵۳، ۲/۰۶، ۱/۸۳، ۱/۵۹، ۱/۵۱، ۱/۹۹).

نتیجه‌گیری: دستاوردهای این پژوهش نشان داد که به هنگام وقوع خشکسالی، از دید کشاورزان منابعی که دچار تهدید یا آسیب می‌شوند به ترتیب عبارتند از: منابع فیزیکی، پیرامونی، شخصی و انرژی‌زا. همچنین کشاورزان مناطق با شدت خشکسالی خیلی زیاد بیش از سایرین احساس می‌کنند که در اثر خشکسالی منابع آن‌ها در خطر بوده و یا این منابع را از دست داده‌اند و کشاورزان مناطق با شدت خشکسالی متوسط کمتر از سایرین این احساس را داشتند.

کلمات کلیدی: خشکسالی، راهبردهای مقابله روانی، نگرش تهدیدزا، نگرش آسیب‌زا، نگرش چالش‌زا، استان فارس

هر اتفاق طبیعی غیرمترقبه و ناگهانی که موجب تضعیف و نابودی توانمندی‌های اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی مانند خسارات جانی و مالی و تخریب تاسیسات زیربنایی، منابع اقتصادی و زمینه‌های اشتغال جامعه را فراهم آورد، به عنوان بلایای طبیعی معرفی می‌شود. از مصادیق بارز این موضوع می‌توان زلزله، سیل، خشکسالی، آفات طبیعی، آتشفشان، آتش‌سوزی جنگل‌ها و پدیده‌های جوی را نام برد (۱) طبق بررسی‌های تاریخی، کشور ما نیز همواره در معرض بلایای طبیعی، همچون سیل، زلزله، خشکسالی و زمین‌لرزه قرار دارد؛ به گونه‌ای که از ۴۰ بلای اتفاق افتاده در جهان، ۳۱ مورد آن در ایران اتفاق می‌افتد (۲). در این میان، خشکسالی اثر بالفعل اقتصادی و روانی را داشته و می‌تواند تعداد زیادی از مردم را تحت تأثیر قرار دهد (۳).

کشور ما به دلیل قرارگرفتن در کمربند خشک جغرافیایی و نوار بیابانی که در ۲۵ تا ۴۰ درجه عرض شمالی واقع شده است، از مناطق آب و هوایی کم باران جهان به شمار می‌رود. میزان بارندگی در ایران حدود یک سوم متوسط جهانی است و با بارندگی سالانه ۲۷۰ میلی‌متر، دارای اقلیمی خشک و نیمه‌خشک می‌باشد و چنانچه رشته کوه‌های زاگرس و البرز وجود نداشت و ایران میان دریای خزر و خلیج فارس محصور نبود، به یک منطقه کاملاً خشک و بی‌آب جهان تبدیل می‌شد (۳). نکته قابل توجه اینکه حدود ۷۰ درصد آب شیرین موجود در جهان به مصرف کشاورزی می‌رسد که سالانه ۱۶۰ میلیارد متر مکعب از میزان جایگزین شدن طبیعی آن بیشتر است. در ایران بیش از ۹۰ درصد آب مصرفی برای کشاورزی اختصاص می‌یابد و از این رو آسیب‌پذیری کشاورزان در دوره‌های خشکسالی که بیشترین سهم استفاده از آب را در کشور دارند، بسیار بالاست (۴). خشکسالی نه تنها سهم کشاورزی را در تولید ناخالص ملی کاهش داده است، بلکه نیروی کار روستاها را تحلیل و روستاییان را آواره شهرها کرده است. (۵) مطالعات نشان می‌دهد، سیل، خشکسالی و زلزله، یکی از عوامل فشار برای مهاجرت‌های روستایی است (۴، ۵، ۶). نمونه‌های دیگر اثرات زیان‌بخش خشکسالی کشاورزی عبارت است از کاهش درآمد کشاورزان، افزایش فشارروحي و بیماری‌های روانی،

کاهش فرصت‌های شغلی برای کارگران بخش کشاورزی، کاهش توان بازپرداخت وام‌های کشاورزی، کاهش درآمد ارزی دولت به دلیل کاهش صادرات محصولات کشاورزی، افزایش بهای مواد غذایی اصلی مردم، افزایش نرخ تورم در جامعه، خشک‌شدن تدریجی منابع آب، رقابت برای دستیابی به آب و هزینه‌های اجتماعی ناشی از مهاجرت که باعث از هم پاشیدگی اجتماعی و خانوادگی می‌شود (۳).

هنگامی که صحبت از پیامدهای خشکسالی می‌شود، بیشترین توجه محققان به پیامدهای اقتصادی و زیست محیطی است و اثرات روانی، به عنوان جزئی از پیامدهای اجتماعی خشکسالی، به دست فراموشی سپرده شده است. شناخت شرایط روانی و چگونگی بازتاب فکری و واکنش کشاورزان هنگام مواجه با خشکسالی می‌تواند مبنایی برای ارائه راهکارهایی مؤثر و کاربردی به منظور اتخاذ تصمیم‌های عملی در راستای کاهش زیان‌های حاصل از خشکسالی بر تولیدات کشاورزی و همچنین درآمد زارع باشد. علی‌رغم اهمیت مقابله روانی با خشکسالی، مطالعات زیادی در این خصوص در ایران انجام نشده و مطالعه حاضر به عنوان اولین مطالعه با هدف تعیین راهبردهای مقابله روانی کشاورزان استان فارس در هنگام خشکسالی، در این زمینه انجام شده است.

روش‌ها

این پژوهش پیمایشی و توصیفی است که در سال ۱۳۸۳ در استان فارس انجام شد. استان فارس با جمعیتی بالغ بر ۳۰۸۱۷۳۶ نفر و ۱۹ شهرستان جامعه آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهند (۷). این استان طی سال‌های ۱۳۷۷ لغایت ۱۳۸۲ دستخوش پدیده خشکسالی بوده است (۸). با توجه به اینکه شدت خشکسالی‌ها در تمام نقاط این استان یکسان نبوده، نمونه‌هایی از شدت‌های مختلف خشکسالی به دست آمد. شدت خشکسالی به صورت سه منطقه آب و هوایی متفاوت تقسیم بندی و از بین این مناطق شهرستان‌هایی با شدت‌های خشکسالی متفاوت شناسایی شدند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای می‌باشد. بدین صورت که از استان فارس ۶ شهرستان که دارای فعالیتهای کشاورزی، دامداری و باغداری بودند، انتخاب و از بین آن‌ها دو بخش و از هر

بخش سه روستا و از هر روستا ۱۰ کشاورز به روش تصادفی ساده انتخاب گردید. نهایتاً در مجموع ۳۶۰ کشاورز حجم نمونه را تشکیل داد. در نتیجه اطلاعات لازم از شهرستان های آباد، مرودشت، داراب، فسا، فیروزآباد و لارستان جمع آوری شد که در مجموع ۱۲ بخش، ۳۶ روستا و ۳۶۰ کشاورز را در بر گرفت. در مجموع ۱۲۱ کشاورز از شهرستان های آباد و فسا (با شدت خشکسالی متوسط)، ۱۱۸ کشاورز از شهرستان های مرودشت و فیروزآباد (با شدت خشکسالی زیاد) و ۱۲۱ کشاورز از شهرستان های داراب و لار (با شدت خشکسالی خیلی زیاد) انتخاب شد.

در این مطالعه نوع نگرش (چالش‌زا، تهدیدزا و آسیب‌زا) نسبت به خشکسالی، تأثیر خشکسالی بر منابع چهارگانه (فیزیکی، پیرامونی، انرژی‌زا و شخصی)، نوع راهبردهای مقابله روانی هنگام خشکسالی، ارتباط بین راهبردهای مقابله روانی کشاورزان در مناطق با شدت خشکسالی متفاوت، ارتباط راهبردهای مقابله روانی کشاورزان با پدیده خشکسالی و منابع آن‌ها و رابطه بین راهبردهای مقابله روانی کشاورزان با پدیده خشکسالی و نگرش آن‌ها نسبت به خشکسالی از دیدگاه کشاورزان مورد بررسی و کنکاش قرار گرفت.

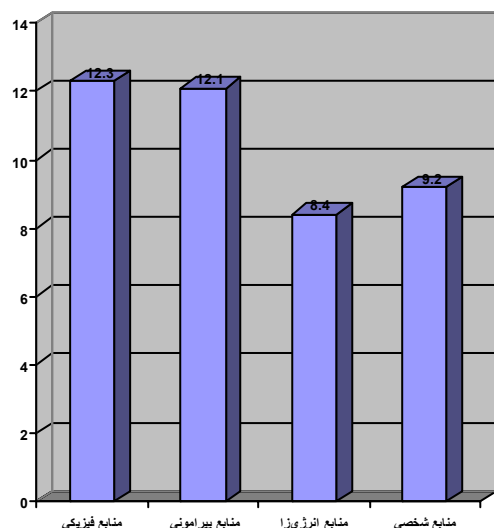
در این مطالعه برای ارزیابی، ترکیبی از دو روش نظری و میدانی بکار گرفته شده است. در روش نظری محقق یک سری جملات یا عبارتهایی را از قبل طراحی می‌کند و برای آزمودن آن از پاسخگویان می‌خواهد که براساس وقایعی که تجربه کرده‌اند، به هر یک از جملات و عبارتها براساس طیف لیکرت پاسخ دهند. در این حالت محقق امید دارد که مقیاس وی بتواند تمامی حالات و احساسات افراد مورد نظر تحقیق را بسنجد. پس از جمع‌آوری اطلاعات از پاسخگویان، سئوالات از طریق تحلیل عاملی به دسته‌ها و یا مؤلفه‌های مختلفی تقسیم‌بندی شد که این مؤلفه‌ها همان راهبردهای مقابله نامیده می‌شود. مقیاس «COPE» (۹) نمونه‌ای از این روش می‌باشد.

در روش میدانی، بدون دردست داشتن سئوالات و یا عبارات از پیش طراحی شده، محقق با افراد مورد مطالعه که پدیده خاصی را تجربه کرده‌اند، ملاقات می‌کند و از آن‌ها درخواست می‌کند تا احساسات و یا

رفتارهایی که از خود بروز داده‌اند، تشریح‌کنند. بیان این احساسات و رفتارها مبنایی است برای طراحی راهبردهای مقابله. در این روش همانند روش قبلی، با استفاده از تحلیل‌های عاملی پاسخ‌ها دسته‌بندی و مؤلفه‌سازی می‌شوند. مقیاس «Ways of Coping» (۱۰) براین اساس طراحی شده است. متأسفانه به استثنای "مقیاس راهبردهای مقابله"، هیچ یک از ابزارهای رایج سنجش، سازگاری چندانی با شرایط کشاورز و پدیده مورد مطالعه نداشت و لذا ساختن ابزار سنجش در این مطالعه ضروری بود. این مقیاس علیرغم اینکه برای جامعه شهری طراحی شده بود ولی می‌توانست به عنوان چارچوب تئوریک جهت ساختن ابزار مناسب‌تر قرار گیرد. در مرحله دوم برای آشنایی با مشکلات ناشی از خشکسالی با کشاورزان منطقه داراب که دچار پدیده خشکسالی شده بودند، مصاحبه به عمل آمد. در این مصاحبه، یک سؤال اصلی مطرح شد و آن این بود که با خشکسالی چه کار کردید و چه می‌کنید؟ هدف کلی از این نشست، آشنایی با مقابله روانی و غیر روانی کشاورزان با خشکسالی بود و لذا ۱۵ الی ۲۰ مقابله فیزیکی از مجموعه صحبت‌های آنان استخراج گردید. پس از باز بینی و اصلاح پرسشنامه نهایی طراحی شد. برای اجرای مطالعه راهنما، منطقه چهارم انتخاب گردید و ۴۰ نسخه از پرسشنامه در این منطقه تکمیل شد. منطقه چهارم به لحاظ شدت خشکسالی و ترکیبی از زارعان، باغداران و دامداران برای اجرای مطالعه راهنما مناسب به نظر می‌رسید. پس از جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از ضریب Cronbach's alpha، پایایی پرسشنامه با ضریب ۷۹ درصد تأیید گردید.

برای تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده از نرم‌افزار SPSS11.5 و محاسبات آماری نظیر شاخص‌های گرایش مرکزی و تحلیل‌های استنباطی نظیر تحلیل واریانس، همبستگی و رگرسیون استفاده گردید. به منظور تعیین اثرات توأم کلیه منابع فیزیکی، پیرامونی، شخصی و انرژی‌زا مؤثر بر درک کشاورزان از خشکسالی به عنوان یک پدیده چالش‌زا، اقدام به تحلیل و تخمین معادله رگرسیونی چندمتغیره، بین این منابع و نگرش چالش‌زایی کشاورزان شد. در این تحلیل، تمامی متغیرهای مربوط به فیزیکی، پیرامونی، شخصی

نمودار ۱ نشان می‌دهد، بیشترین منبعی که کشاورزان احساس می‌کنند در اثر خشکسالی با تهدید روبرو شده



یا از دست می‌رود، «منابع فیزیکی» است. منبع اخیر با میانگین ۱۲/۳، بیشترین مقدار را در این مورد داراست. پس از این منبع و با اختلافی ناچیز، بیشترین مقدار نمودار ۱- مقایسه میزان از دست دادن منابع کشاورزان به هنگام خشکسالی میانگین به «منابع پیرامونی» اختصاص دارد (۱۲/۱). این درحالی است که «منابع انرژی‌زا» با میانگین ۸/۴، کمترین مقدار را به خود اختصاص داده است. و بالاخره، «منابع شخصی» با میانگین ۹/۲، در رتبه سوم قرار دارد.

عوامل مؤثر بر نگرش کشاورزان از خشکسالی به عنوان یک پدیده چالش‌زا:

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد، کلیه این متغیرها به ترتیب زیر وارد معادله شدند: منابع شخصی، پیرامونی، انرژی‌زا و فیزیکی. این موضوع بدان معناست که منابع مذکور قادر به پیشگویی متغیر وابسته یعنی «نگرش چالش‌زایی کشاورزان» می‌باشند. مقدار Beta نشان می‌دهد که افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر منابع شخصی، پیرامونی و انرژی‌زا به ترتیب سبب کاهش ۰/۴۵، ۰/۴۰ و ۰/۲۳ در انحراف استاندارد متغیر وابسته یعنی نگرش چالش‌زایی کشاورزان می‌شود. از طرفی افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر منابع فیزیکی، سبب افزایش ۰/۱۲ در انحراف استاندارد متغیر وابسته

و انرژی‌زا به شیوه مرحله‌ای (Stepwise) وارد معادله رگرسیونی شدند. به منظور تعیین اثرات توأم کلیه منابع فیزیکی، پیرامونی، شخصی و انرژی‌زا بر نگرش کشاورزان نسبت به خشکسالی به عنوان یک پدیده تهدیدزا، تحلیل رگرسیون چندمتغیره انجام شد. به منظور تعیین اثرات توأم کلیه منابع پیرامونی، شخصی، فیزیکی و انرژی‌زای مؤثر بر نگرش کشاورزان نسبت به خشکسالی به عنوان یک پدیده آسیب‌زا، تحلیل رگرسیون چندمتغیره محاسبه گردید.

یافته‌ها

توزیع فراوانی نمونه‌ها به تفکیک منابع درآمدی:

جدول شماره ۱، منابع درآمدی یا مشاغل اصلی افراد مورد مطالعه را نشان می‌دهد. بیشترین فراوانی به افرادی تعلق دارد که منبع اصلی درآمد آن‌ها زراعت است.

جدول شماره ۱- توزیع آزمودنی‌ها بر اساس منبع درآمد

منابع اصلی درآمد	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
زراعت	۱۷۱	۴۷/۵	۴۷/۶
دامداری	۳۱	۸/۶	۵۶/۳
باغداری	۲۳	۶/۴	۶۲/۷
هر سه	۲۵	۶/۹	۶۹/۶
زراعت و دامداری	۶۸	۱۸/۹	۸۸/۶
زراعت و باغداری	۳۹	۱۰/۸	۹۹/۶
دامداری و باغداری	۲	۰/۶	۱۰۰
مجموع	۳۶۰	۱۰۰	-

نگرش کشاورزان نسبت به خشکسالی:

اکثریت کشاورزان مورد مطالعه، خشکسالی را خطری در از دست دادن منابع خویش (نگرش تهدیدزا) تلقی می‌کردند. این دیدگاه با میانگین ۹/۸ بالاترین مقدار را در بین سه نگرش مذکور شامل می‌شود. خشکسالی به عنوان عاملی برای از دست دادن منابع (نگرش آسیب‌زا) در رتبه دوم (۶/۱) و عاملی برای به حداکثر رساندن منابع (نگرش چالش‌زا) در رتبه آخر (۴/۱) تلقی شده است.

تأثیر خشکسالی بر منابع کشاورزان:

جدول شماره ۳- عوامل مؤثر بر نگرش کشاورزان نسبت به خشکسالی به عنوان یک پدیده تهدیدزا

متغیرها	B	S.E. B	β	Sig. T
منابع فیزیکی	- ۱/۴۲	۰/۱۲	- ۰/۵۵	۰/۰۰۰
منابع شخصی	۰/۳۵	۰/۰۸	۰/۲۱	۰/۰۰۰

F = 67.040, Sig. F = 0.000, Constant = 23.903

متغیرها	R2	R2 Changed	Multiple R	Adjusted R
منابع فیزیکی	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۵۱	۰/۲۶
منابع شخصی	۰/۳۰	۰/۰۴	۰/۵۵	۰/۳۰

عوامل مؤثر بر نگرش کشاورزان نسبت به خشکسالی به عنوان یک پدیده آسیب‌زا:

نتایج این تحلیل در جدول شماره ۴ نشان داده شده است. در این تحلیل، تمامی متغیرهای مربوط به پیرامونی، شخصی، فیزیکی و انرژی‌زا به شیوه گام به گام (Stepwise) وارد معادله رگرسیونی شد و همانطور که جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، کلیه این متغیرها به ترتیب زیر وارد معادله شدند: منابع فیزیکی، پیرامونی، شخصی و انرژی‌زا. مقدار Beta در جدول نشان می‌دهد که افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر منابع فیزیکی، پیرامونی، شخصی و انرژی‌زا به ترتیب سبب افزایش ۰/۵۳، ۰/۲۶، ۰/۲۳ و ۰/۱۵ در انحراف استاندارد متغیر وابسته یعنی نگرش آسیب‌زایی کشاورزان می‌شود که با توجه به معنی‌دار بودن مقدار T در کلیه متغیرهای مذکور، تأثیر این متغیرها در تبیین شکل‌گیری نگرش «آسیب‌زایی» کشاورزان، معنی‌دار است. همچنین، با توجه به مقدار R2 این منابع قادرند در مجموع ۷۹٪ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند.

جدول شماره ۴- عوامل مؤثر بر نگرش کشاورزان نسبت به خشکسالی به عنوان یک پدیده آسیب‌زا

متغیرها	B	S.E. B	β	Sig. T
منابع فیزیکی	۱/۲۵	۰/۰۶	۰/۵۳	۰/۰۰۰
منابع پیرامونی	۰/۴۳	۰/۰۶	۰/۳۶	۰/۰۰۰
منابع شخصی	۰/۳۶	۰/۰۶	۰/۲۳	۰/۰۰۰
منابع انرژی‌زا	۰/۴۲	۰/۰۸	۰/۱۵	۰/۰۰۰

F = 299.357, Sig. F = 0.000, Constant = - 21.47

متغیرها	R2	R2 Changed	Multiple R	Adjusted R
منابع فیزیکی	۰/۵۵	۰/۵۵	۰/۷۴	۰/۵۵
منابع پیرامونی	۰/۷۴	۰/۱۹	۰/۸۶	۰/۷۳
منابع شخصی	۰/۷۸	۰/۰۴	۰/۸۸	۰/۷۷
منابع انرژی‌زا	۰/۷۹	۰/۰۱	۰/۸۹	۰/۷۹

یعنی نگرش چالش‌زایی کشاورزان می‌شود که با توجه به معنی‌دار بودن مقدار T در کلیه متغیرهای مذکور، تأثیر این متغیرها در توضیح شکل‌گیری نگرش «چالش‌زایی» کشاورزان، معنی‌دار است. همچنین، با توجه به مقدار R2 این منابع قادرند در مجموع ۷۴٪ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند.

جدول شماره ۲ - عوامل مؤثر بر نگرش کشاورزان از خشکسالی به عنوان یک پدیده چالش‌زا

متغیرها	B	S.E. B	β	Sig. T
منابع شخصی	- ۰/۶۲۱	۰/۰۵	- ۰/۴۵	۰/۰۰۰
منابع پیرامونی	- ۰/۵۷۵	۰/۰۶	- ۰/۴۰	۰/۰۰۰
منابع انرژی‌زا	- ۰/۵۸۰	۰/۰۸	- ۰/۲۳	۰/۰۰۰
منابع فیزیکی	۰/۲۵۶	۰/۰۶	۰/۱۲	۰/۰۰۰

F = 215.192, Sig. F = 0.000, Constant = 18.529

متغیرها	R2	R2 Changed	Multiple R	Adjusted R
منابع شخصی	۰/۵۸	۰/۵۸	۰/۷۶	۰/۵۸
منابع پیرامونی	۰/۶۹	۰/۰۳	۰/۸۳	۰/۶۸
منابع انرژی‌زا	۰/۷۲	۰/۰۳	۰/۸۵	۰/۷۲
منابع فیزیکی	۰/۷۴	۰/۰۲	۰/۸۶	۰/۷۳

عوامل مؤثر بر نگرش کشاورزان از خشکسالی به عنوان یک پدیده تهدیدزا:

جدول شماره ۳، عوامل مؤثر بر نگرش کشاورزان نسبت به خشکسالی به عنوان یک پدیده تهدیدزا را نشان می‌دهد. در این تحلیل، تنها دو متغیر «منابع فیزیکی و شخصی» به شیوه گام به گام (Stepwise) وارد معادله رگرسیونی شد. این موضوع بدین معنی است که منابع مذکور قادر به پیشگویی متغیر وابسته یعنی «نگرش تهدیدزایی کشاورزان» می‌باشند. مقدار Beta در جدول نشان می‌دهد که افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر منابع فیزیکی، موجب کاهش ۰/۵۵ در انحراف استاندارد متغیر وابسته یعنی نگرش تهدیدزایی کشاورزان می‌شود. از طرفی افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر منابع شخصی، سبب افزایش ۰/۲۱ در انحراف استاندارد متغیر وابسته یعنی نگرش تهدیدزایی کشاورزان می‌شود که با توجه به معنی‌دار بودن مقدار T در کلیه متغیرهای مذکور، تأثیر این متغیرها در توضیح شکل‌گیری نگرش «تهدیدزایی» کشاورزان، معنی‌دار است. همچنین، با توجه به مقدار R2 این منابع قادرند در مجموع ۳۰٪ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند.

راهبردهای مقابله روانی کشاورزان هنگام خشکسالی:

باتوجه به تنوع راهبردهای مقابله روانی کشاورزان با پدیده خشکسالی، اقدام به سنجش میانگین راهبردهای هشتگانه شد. در این مورد بیشترین میانگین (۳/۳۰) به راهبرد «ارزیابی مثبت» اختصاص دارد. این جدول همچنین نشان می‌دهد که کمترین میانگین (۰/۹۹) را در این زمینه راهبرد «انکار» به خود اختصاص می‌دهد که هر دو از گروه راهبردهای هیجان-مدار می‌باشند. براساس نتایج این جدول اولویت راهبردهای هشتگانه به ترتیب عبارتند از راهبرد «ارزیابی مثبت»، «خودکنترلی»، «جلب حمایت‌های اجتماعی»، «فاصله‌گرفتن»، «حل مسئله»، «مسئولیت‌پذیری»، «برخورد مستقیم» و «انکار» (به ترتیب با میانگین‌های ۳/۳۰، ۲/۶۷، ۲/۵۳، ۲/۰۶، ۱/۸۳، ۱/۵۹، ۱/۵۱، ۰/۹۹).

مقایسه میانگین انواع راهبردهای مقابله‌روانی کشاورزان نسبت به خشکسالی براساس شدت خشکسالی:

از بین هشت گروه راهبرد، میانگین موجود تنها سه راهبرد با سایرین متفاوت می‌باشد. این سه راهبرد عبارتند از «راهبرد برخورد مستقیم، جلب حمایت‌های اجتماعی و راهبرد حل مسئله» و در مورد سایر راهبردها، تفاوت معنی‌داری به چشم نمی‌خورد. در مورد راهبرد برخورد مستقیم، بیشترین میانگین به دو منطقه با خشکسالی زیاد و متوسط اختصاص دارد که به ترتیب با میانگین‌های ۱/۷۲ و ۱/۶۳ نسبت به منطقه سوم (با شدت خشکسالی خیلی زیاد با میانگین ۱/۱۸) تفاوت معنی‌داری نشان می‌دهد. در این مورد همانطور که جدول مذکور نشان می‌دهد بین دو منطقه اول تفاوت معنی‌داری در آزمون LSD بدست نیامد. این موضوع بدین معنی است که کشاورزان مناطق آباده، فسا، فیروزآباد و مرودشت درمقایسه با کشاورزان مناطق داراب و لار، در سطح معنی‌داری (F prob. = ۰/۰۲) این راهبرد را بیشتر بکار می‌گیرند. این درحالی است که میانگین راهبرد جلب حمایت‌های اجتماعی نیز در این دو منطقه بالاتر از منطقه سوم (با شدت خشکسالی خیلی زیاد) می‌باشد. بدین معنی که کشاورزان مناطق آباده و فسا در مقایسه با سایر مناطق میانگین بیشتری (۲/۷۹) را در این زمینه کسب نموده‌اند. در صورتیکه با

توجه به مقدار F (۰/۰۱)، تنها بین مناطق اول و سوم، تفاوت معنی‌داری از نظر آماری به چشم می‌خورد. این موضوع بدین معنی است که کشاورزان آباده و فسا تنها با کشاورزان مناطق داراب و لار از این حیث تفاوت معنی‌داری داشته و بدین ترتیب راهبرد جلب حمایت‌های اجتماعی را بیشتر بکار می‌گیرند. از سوی دیگر، بر اساس نتایج جدول مذکور، می‌توان نتیجه گرفت که میانگین راهبرد حل مسئله در منطقه دوم بالاتر (۲/۲۰ در مقایسه با ۱/۶۸ و ۱/۸۲) از سایر مناطق است. اما تنها بین این منطقه و منطقه اول (با شدت خشکسالی متوسط) از نظر آماری، تفاوت معنی‌داری (F prob. = ۰/۰۲) وجود دارد. این موضوع بدین معنی است که کشاورزان مناطق فیروزآباد و مرودشت (با شدت خشکسالی زیاد) در مقایسه با کشاورزان مناطق آباده و فسا در هنگام مواجهه با پدیده خشکسالی بیشتر از راهبرد حل مسئله استفاده می‌کنند. نکته ای که باید مورد توجه قرار گیرد آن است که تنها بین سه راهبرد مسئله-مدار (راهبرد برخورد مستقیم، جلب حمایت‌های اجتماعی و حل مسئله) در مناطق مختلف تفاوت معنی‌دار به چشم می‌خورد. این در حالی است که بین سایر راهبردهای روانی (هیجان-مدار) در مناطق سه‌گانه تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. بدین ترتیب تنها می‌توان به توصیف راهبردهای مذکور از حیث مقدار میانگین آن‌ها براساس شدت خشکسالی مناطق مختلف بسنده کرد.

همبستگی بین انواع راهبردهای مقابله روانی

کشاورزان با پدیده خشکسالی و منابع مختلف آنان:

از بین انواع راهبردهای مقابله روانی، تنها سه راهبرد با منابع فیزیکی کشاورزان رابطه مثبت و معنی‌دار نشان می‌دهد. این سه راهبرد عبارتند از «حل مسئله»، «فاصله گرفتن» و «ارزیابی مثبت» که به ترتیب با ضرایب همبستگی ۰/۲۴، ۰/۲۰ و ۰/۱۴ همگی مثبت بوده و با منابع فیزیکی رابطه معنی‌داری نشان می‌دهد. بدین ترتیب می‌توان انتظار داشت که با افزایش احساس کشاورزان نسبت به از دست دادن منابع فیزیکی خود، احتمال بکارگیری این سه راهبرد، افزایش می‌یابد. این درحالی است که از بین راهبردهای هشتگانه مذکور، پنج راهبرد یعنی «خودکنترلی»، «فاصله گرفتن»، «ارزیابی مثبت»،

«مسئولیت‌پذیری» و «انکار» که همگی جزو راهبردهای هیجان-مدار می‌باشند، با منابع پیرامونی کشاورزان رابطه معنی‌داری دارند. از بین این پنج راهبرد، سه راهبرد، یعنی «خودکنترلی»، فاصله گرفتن و انکار» رابطه مثبت (به ترتیب با ضرایب همبستگی ۰/۱۶، ۰/۲۰ و ۰/۲۳) و دو راهبرد، یعنی «ارزیابی مثبت و مسئولیت‌پذیری» رابطه منفی و معنی‌داری (به ترتیب با ضرایب همبستگی ۰/۱۴ - و ۰/۱۸ -) با منابع مذکور دارند.

از بین انواع راهبردهای مقابله روانی، تنها سه راهبرد، یعنی «خودکنترلی»، «فاصله گرفتن» و «مسئولیت‌پذیری» (که باز هم همگی از راهبردهای روانی هیجان-مدار هستند) با منابع انرژی‌زا رابطه معنی‌داری دارند. از بین این سه راهبرد، دو راهبرد، یعنی راهبردهای «خودکنترلی و فاصله گرفتن» با این منابع رابطه مثبت (به ترتیب با ضرایب همبستگی ۰/۱۳ و ۰/۲۰) و راهبرد «مسئولیت‌پذیری» (با ضریب همبستگی ۰/۱۰-) رابطه منفی و معنی‌دار دارند.

بالاخره، از بین راهبردهای هشتگانه مذکور، پنج راهبرد «خودکنترلی»، «فاصله گرفتن»، «ارزیابی مثبت»، «مسئولیت‌پذیری» و «انکار» با متغیر منابع شخصی کشاورزان، رابطه معنی‌داری دارند. از بین راهبردهای مذکور، سه راهبرد، یعنی «خودکنترلی»، «فاصله گرفتن» و «انکار» رابطه مثبت (به ترتیب با ضرایب همبستگی ۰/۱۸، ۰/۱۵ و ۰/۲۱) و دو راهبرد، یعنی «ارزیابی مثبت» و «مسئولیت‌پذیری» رابطه

منفی (به ترتیب با ضرایب همبستگی ۰/۲۵- و ۰/۱۹-) و معنی‌داری با منابع شخصی کشاورزان دارند. تحلیل همبستگی راهبردهای مقابله روانی کشاورزان با پدیده خشکسالی و نگرش آنان نسبت به خشکسالی:

جدول شماره ۵ نتایج حاصل از محاسبه ضریب همبستگی بین انواع راهبردهای مقابله روانی کشاورزان با پدیده خشکسالی و نگرش آنان نسبت به خشکسالی را نشان می‌دهد. براساس نتایج این جدول، بین متغیرهای مذکور روابط مختلفی برقرار است، به طوری که از بین هشت راهبرد مقابله روانی، پنج راهبرد، یعنی «خودکنترلی»، «فاصله گرفتن»، «ارزیابی مثبت»، «مسئولیت‌پذیری» و «انکار» با نگرش چالش‌زایی رابطه معنی‌دار دارد. از بین پنج راهبرد مذکور، سه راهبرد، یعنی «خودکنترلی»، فاصله گرفتن و انکار» رابطه منفی و معنی‌دار (به ترتیب با ضرایب همبستگی ۰/۲۴-، ۰/۲۳- و ۰/۱۶-) و دو راهبرد، یعنی «ارزیابی مثبت و مسئولیت‌پذیری» رابطه مثبت و معنی‌دار (۰/۳۲ و ۰/۲۳) نشان می‌دهد.

از سوی دیگر، از بین راهبردهای هشتگانه مذکور، دو راهبرد، یعنی «خودکنترلی» و «ارزیابی مثبت» با نگرش تهدیدزایی کشاورزان رابطه معنی‌دار دارد که اولی رابطه مثبت و معنی‌دار (۰/۱۲) و دومی رابطه منفی و معنی‌دار (۰/۳۲-) نشان می‌دهد.

جدول شماره ۵ - نتایج حاصل از محاسبه ضریب همبستگی بین انواع راهبردهای مقابله روانی کشاورزان با پدیده خشکسالی و نگرش آنان نسبت به خشکسالی

انواع راهبردهای مقابله روانی		چالش‌زا		تهدیدزا		آسیب‌زا	
		P	r	P	R	p	r
برخورد مستقیم		۰/۵۳	- ۰/۰۸	- ۰/۱۹		۰/۱۷	۰/۳۳
جلب حمایت‌های اجتماعی		۰/۸۲	- ۰/۰۱	- ۰/۰۱		۰/۷۶	۰/۰۳
حل مسئله		۰/۷۱	- ۰/۰۴	- ۰/۱۶		۰/۲۰	۰/۲۷
خودکنترلی		۰/۰۰	- ۰/۲۴	۰/۱۲		۰/۰۲	۰/۰۸
فاصله گرفتن		۰/۰۰	- ۰/۲۳	۰/۰۲		۰/۶۷	۰/۱۷
ارزیابی مثبت		۰/۰۰	۰/۳۲	- ۰/۳۲		۰/۰۰	۰/۰۶
مسئولیت‌پذیری		۰/۰۰	۰/۲۳	- ۰/۰۷		۰/۲۰	- ۰/۱۲
انکار		۰/۰۴	- ۰/۱۶	- ۰/۰۰		۰/۹۶	۰/۱۵

همچنین، براساس نتایج جدول شماره ۵، از بین هشت راهبرد مقابله روانی مذکور، پنج راهبرد، یعنی «برخورد مستقیم»، «حل مسئله»، «فاصله گرفتن»، «مسئولیت‌پذیری» و «انکار» با نگرش آسیب‌زایی کشاورزان رابطه معنی‌داری دارد. از بین این پنج راهبرد، چهار راهبرد، یعنی «برخورد مستقیم، حل مسئله، فاصله گرفتن و انکار» با درک کشاورزان از پدیده خشکسالی بعنوان یک پدیده آسیب‌رسان، رابطه مثبت و معنی‌دار (به ترتیب با ضرایب همبستگی ۰/۳۳، ۰/۲۷، ۰/۱۷ و ۰/۱۵) و با راهبرد «مسئولیت‌پذیری» رابطه منفی و معنی‌دار (با ضریب همبستگی ۰/۱۲-) نشان می‌دهد.

بحث

دستاوردهای این پژوهش نشان داد که به هنگام وقوع خشکسالی، از دید کشاورزان منابعی که دچار تهدید یا آسیب می‌شوند به ترتیب عبارتند از: منابع فیزیکی، پیرامونی، شخصی و انرژی‌زا. همچنین کشاورزان مناطق با شدت خشکسالی خیلی زیاد، بیش از سایرین احساس می‌کنند که در اثر خشکسالی منابع آن‌ها در خطر بوده و یا این منابع را از دست داده‌اند و کشاورزان مناطق با شدت خشکسالی متوسط کمتر از دیگران.

همچنین ترتیب نگرش کشاورزان در مواجهه با پدیده خشکسالی به ترتیب عبارتند از "تهدیدزا"، آسیب‌زا" و "چالش‌زا". علی‌رغم تغییر مقدار میانگین انواع نگرش‌های کشاورزان با افزایش سن و سطح سواد آن‌ها، در نهایت باز هم نگرش‌های قالب آن‌ها نسبت به این پدیده به ترتیب عبارتند از: "تهدیدزا"، "آسیب‌زا" و "چالش‌زا". ولی با افزایش سن، این افراد، پدیده خشکسالی را بیشتر فرصتی می‌دانند که از آن می‌توان به بهترین نحو ممکن، استفاده لازم را برد. همچنین، با افزایش سطح سواد کشاورزان، می‌توان انتظار داشت که نگرش‌های چالش‌زایی و تهدیدزایی تقویت و نگرش آسیب‌زایی آن‌ها تضعیف شود. از سوی دیگر، با افزایش درآمد کشاورزان، نگرش "چالش‌زایی" این افراد نسبت به پدیده خشکسالی کاهش و نگرش "تهدیدزایی" آن‌ها افزایش می‌یابد. یافته‌ها گویای آن است که با افزایش شدت خشکسالی، کشاورزان کمتر به این پدیده به

عنوان یک عامل چالش‌زا می‌نگرند و لذا پدیده خشکسالی را بیشتر آسیب‌زا می‌دانند. این در حالی است که بین متغیر شدت خشکسالی و نگرش تهدیدزایی کشاورزان هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری وجود ندارد. بر اساس نتایج نگرش کشاورزان مناطق با شدت خشکسالی متوسط چالش‌زا تر بوده و این افراد، پدیده مذکور را بیشتر فرصتی برای تقویت منابع خود می‌دانند. این در حالی است که بیشترین میانگین نگرش تهدید‌زا به گروه با شدت خشکسالی زیاد اختصاص دارد که پس از آن گروه‌های با شدت خشکسالی متوسط و خیلی زیاد قرار دارند. از سوی دیگر، بیشترین میانگین در مورد دیدگاه آسیب‌زا به منطقه با شدت خشکسالی خیلی زیاد تعلق دارد. با افزایش احساس از دست دادن منابع چهارگانه (فیزیکی، پیرامونی، شخصی، و انرژی‌زا)، کشاورزان کمتر به این پدیده به عنوان یک عامل چالش‌زا می‌نگرند. اما از بین منابع مذکور، تنها منابع فیزیکی با نگرش تهدیدزایی رابطه معنی‌دار و منفی دارد. همچنین بین هر چهار دسته منابع فوق و نحوه شکل‌گیری نگرش آسیب‌زا رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. بدین معنی که با افزایش احساس از دست دادن این منابع احتمال درک از خشکسالی به عنوان یک پدیده آسیب‌زا افزایش می‌یابد. با توجه به تنوع راهبردهای مقابله روانی کشاورزان با خشکسالی، بیشترین میانگین در این زمینه به راهبرد "ارزیابی مثبت" و کمترین میانگین به راهبرد "انکار" اختصاص دارد که هر دو از راهبردهای هیجان-مدار می‌باشند. بدین ترتیب، بر اساس نتایج، اولویت راهبردهای هشتگانه به ترتیب عبارتند از "ارزیابی مثبت"، "خود کنترل"، "جلب حمایت‌های اجتماعی"، "فاصله گرفتن"، "حل مسئله"، "مسئولیت‌پذیری"، "برخورد مستقیم" و "انکار". مقایسه میانگین راهبردهای هشتگانه بر اساس شدت خشکسالی نشان می‌دهد که تنها بین راهبردهای "برخورد مستقیم، جلب حمایت‌های اجتماعی و راهبرد حل مسئله" با سایرین تفاوت وجود دارد. در مورد راهبرد برخورد مستقیم بیشترین میانگین به دو منطقه با شدت خشکسالی متوسط و زیاد اختصاص دارد. این بدین معنی است که کشاورزان این مناطق در مقایسه با کشاورزان

منطقه خیلی زیاد این راهبرد را بیشتر به کار می گیرند. این در حالی است که میانگین راهبرد جلب حمایت های اجتماعی نیز در این دو منطقه بالاتر از منطقه سوم (خیلی زیاد) می باشد. بدین معنی که کشاورزان منطقه با شدت متوسط در مقایسه با سایرین، میانگین بیشتری را در این زمینه کسب نموده است. از سوی دیگر، میانگین راهبرد حل مسئله در منطقه دوم بالاتر از سایر مناطق است. دقت شود که تنها بین سه راهبرد هیجان-مدار در مناطق مختلف تفاوت معنی داری وجود دارد. از بین انواع راهبردهای مقابله روانی تنها سه راهبرد با منابع فیزیکی آن ها رابطه معنی دار نشان می دهد که همگی مثبت می باشد. این سه راهبرد عبارتند از: "حل مسئله، فاصله گرفتن و ارزیابی مثبت". این در حالی است که از بین راهبردهای هشتگانه مذکور، پنج راهبرد یعنی "خود کنترلی، فاصله گرفتن، ارزیابی مثبت، مسئولیت پذیری و انکار" که همگی جزء راهبردهای هیجان-مدار می باشند با منابع پیرامونی کشاورزان رابطه معنی داری دارند. از بین این پنج راهبرد سه راهبرد یعنی "خود کنترلی، فاصله گرفتن و انکار" رابطه مثبت و دو راهبرد یعنی "ارزیابی مثبت و مسئولیت پذیری" رابطه منفی و معنی داری با منابع مذکور نشان می دهند. همچنین، می توان نتیجه گرفت که با افزایش احساس از دست دادن منابع انرژی زای کشاورزان احتمال به کار گیری راهبردهای "خود کنترلی و فاصله گرفتن" افزایش و راهبرد "مسئولیت پذیری" کاهش می یابد. بر اساس نتایج می توان انتظار داشت که با افزایش احساس از دست دادن منابع شخصی کشاورزان، احتمال بکار گیری راهبردهای "خود کنترلی، فاصله گرفتن و انکار" افزایش و راهبردهای "ارزیابی مثبت و مسئولیت پذیری" کاهش یابد. با افزایش نگرش چالش زایی، کشاورزان راهبردهای "ارزیابی مثبت و مسئولیت پذیری" را بیشتر و راهبردهای "خودکنترلی، فاصله گرفتن و انکار" را کمتر به کار می گیرند. همچنین با افزایش درک کشاورزان از خشکسالی به عنوان یک پدیده تهدیدزا، بکارگیری راهبرد "خود کنترلی" افزایش و بکارگیری راهبرد "ارزیابی مثبت" کاهش می یابد. و با افزایش نگرش کشاورزان از خشکسالی به عنوان یک پدیده آسیب رسان، بکارگیری راهبردهای "

برخورد مستقیم، حل مسئله، فاصله گرفتن و انکار" افزایش و بکارگیری راهبرد "مسئولیت پذیری" کاهش می یابد. مقایسه میانگین راهبردهای هشتگانه بر اساس انواع نگرش های کشاورزان نسبت به پدیده خشکسالی نشان داد که بیشترین میانگین بکارگیری راهبرد "برخورد مستقیم" در مورد کشاورزانی به چشم می خورد که نگرش غالب آن ها نسبت به پدیده خشکسالی نگرش آسیب زا می باشد. این در حالی است که بیشترین میانگین به کارگیری راهبرد "خودکنترلی" در مورد کشاورزانی است که به این پدیده با نگرش "چالش زایی" می نگرند. از سوی دیگر در مورد راهبرد "فاصله گرفتن" بیشترین میانگین بکارگیری در مورد کشاورزانی به دست آمد که نگرش غالب آنها "آسیبزا" بوده این در حالی است که بیشترین میانگین بکار گیری راهبرد "ارزیابی مثبت" به کشاورزانی اختصاص دارد که نگرش آن ها نسبت به خشکسالی بیشتر "چالش زا" می باشد بطوری که کشاورزان دارای نگرش "چالش زا" بیش از کشاورزان دارای نگرش "آسیب زا" و کشاورزان اخیر بیش از کشاورزان دارای نگرش "تهدیدزا"، از راهبرد "ارزیابی مثبت" استفاده می کنند. همچنین، راهبرد "مسئولیت پذیری" توسط کشاورزان با نگرش "چالش زا" و راهبرد "انکار" بیشتر توسط کشاورزان با نگرش "آسیب زا" به کار می رود. بدین ترتیب، می توان نتیجه گرفت، راهبردهایی که بیشتر بار مثبت داشته و احتمالاً پیا مدهای مثبت بیشتری را برای فرد بکارگیرنده به ارمغان می آورند، راهبردهایی هستند که توسط کشاورزان با نگرش "چالش زا" بکار گرفته می شوند. این در حالی است که کاربرد دو راهبرد جلب حمایت های اجتماعی و "حل مسئله" هیچ گونه تفاوت معنی داری بین گروه های سه گانه نگرشی نشان نداد.

این تحقیق که با هدف شناسایی راهبردهای مقابله روانی کشاورزان هنگام مواجهه با بلای خشکسالی در استان فارس به انجام رسید نتایج متنوعی را در پی داشت بر اساس یافته ها و دستاوردهای علمی این تحقیق پیشنهادهای زیر ارائه میگردد.

الف. توصیه های آموزشی- ترویجی

فهرست منابع

1. Nayeb Abbasi M. National Committee of Natural Disasters Reduction, forest and pasture, 1996, 31: 56-57. [In Persian]
2. Jazayeri A. 25 provinces of 28 exposed to drought in the country, transportation industry, 2000, 191: 10-11. [In Persian]
3. Manouchehri A. Drought and shallow water crisis, challenges, policies and plans to encounter, Water & Environment, 2001, 45:15-21. [In Persian]
4. Rahmanian D. Encountering with Drought failed with no comprehensive planning, 2001, 846: 50-53. [In Persian]
5. Taherkhani M. Studying the effective factors of rural-urban migration: new topics, Development & Rural Quarterly, 2000; 3 (4):28-1. [In Persian]
6. Carver, C.S., Scheier, M. F., and Weintraub, J. K. Assessing coping strategies: A theoretically based approach. Journal of Personality and Social Psychology, 1989; 56: 267 – 283.
7. [No author] Iran Cities Basic Characteristics. Iran Statistics Center, 1971: 433. [In Persian]
8. Fars Meteorological Organization, 2004.
9. <http://www.farsmet.ir/2004>.
10. Folkman, S., Lazarus, R. S., Dunkel-Schetter, C., DeLongis, A., and Gruen, R. The dynamics of a stressful encounter: Cognitive appraisal, coping and encounter outcomes. Journal of Personality and Social Psychology, 1986, 50: 992-1003.

۱- نتایج این مطالعه نشان داد که اکثریت کشاورزان مورد مطالعه، خشکسالی را خطری در از دست دادن منابع خویش (نگرش تهدیدزا) تلقی می کردند. این نوع نگرش نشان می دهد که خطر از بین رفتن منابع در میان کشاورزان کمتر وجود دارد (نگرش آسیب زا)، لذا باید سعی نمود که این نگرش را از طریق کلاس های مقابله با خشکسالی به نگرش چالش زا تبدیل کرد؛ چرا که در این نگرش کشاورز کمتر دچار تنش های روانی می گردد.

۲- بر اساس یافته ها، از میان راهبردهای مقابله روانی کشاورزان هنگام مواجهه با خشکسالی، راهبرد «ارزیابی مثبت» اولویت اول را به خود اختصاص داد. لذا، برنامه ریزان دوره های مقابله با خشکسالی به خوبی می توانند از این راهبرد در راستای آموزش کشاورزان استفاده نمایند. بدین ترتیب که هر گونه توصیه های ترویجی از جمله کشت ارقام مقاوم به خشکی، عمیق تر نمودن چاه ها، برقی نمودن آن ها، بیمه محصولات کشاورزی را به عنوان سرفصل دوره های آموزشی مذکور لحاظ نمایند.

ب. توصیه های اجرایی – مقدماتی

۳- بیمه محصولات کشاورزی، با توجه به ترتیب انواع منابع کشاورزان که در اثر خشکسالی دچار تهدید یا آسیب می شوند و با توجه به تأثیرات بعدی منابع مذکور بر چگونگی شکل گیری نوع نگرش ها و انتخاب راهبرد مقابله روانی مناسب، پیشنهاد می شود که اهمیت بیمه محصولات کشاورزی به عنوان یک راهبرد مقابله مطلوب در جامعه روستایی ترویج شود تا کشاورزان نسبت به این راهبرد نگرش مطلوبی پیدا کرده و حتی الامکان از خسارت خشکسالی بکاهند.

۴- تقویت فعالیت های کمیته احیاء مراتع و مقابله با خشکسالی

۵- تثبیت قیمت محصولات کشاورزی و دامی هنگام خشکسالی